

روش شناسی قرآن پژوهان معاصر (مطالعه موردی: محمد ارکون)

سید حسین سیدی^۱

چکیده

محمد ارکون روشنفکر الجزایری و قرآن پژوه معاصر به سان دیگر روشنفکران مسلمان دغدغه اصلاح و استنباط مفاهیم دینی را داشته است. از جمله این دغدغه‌ها روش فهم مفاهیم دینی و قرآنی به شمار می‌آید. این رویکرد نخست با تجدید نظر و بازخوانی میراث کهن در این گستره آغاز می‌گردد سپس با اثرپذیری از مطالعات نوین علوم انسانی مرتبط با قرآن پژوهی به انقلاب فکری و اصلاحات ساختاری در برداشت‌های تجددگرایانه و گرایش به دستاوردهای مدرنیته و دخالت آن در فهم تفسیر و علوم قرآنی می‌انجامد. ارکون در بررسی‌های خود به خوانش‌های زیر در فهم قرآن تأکید داشته است. ۱. خوانش ایمان‌گرایانه ۲. خوانش تاریخی ۳. خوانش زبان‌شناختی ۴. خوانش نشانه‌شناختی. نوشتار حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی، روش شناسی ارکون را در مطالعات قرآنی بررسی نماید. دستاورد مهم پژوهش بر این نکته تأکید می‌ورزد که تلاش می‌کند تا میان روش‌های موجود در دنیای جدید در فهم روشمند قرآن و روشن‌الهیاتی پیوند برقرار نماید. هرچند این کوشش در فرجام به ارایه ساختاری منسجم در این راستا کامیاب نمی‌گردد.

واژگان کلیدی: ارکون، قرآن پژوهی، معاصر، روش شناسی، خوانش.

۱- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد seyedi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

مقدمه

در دوران جدید قرآن پژوهان - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - به گفتمان قرآن پرداخته اند. این مطالعات در حوزه‌های مختلف تفسیر، تحلیل، خوانش و روش بوده است. طبیعی است که روش بررسی متن قرآن با توجه به پس زمینه‌های فرهنگی و معرفتی این پژوهشگران متفاوت باشد. زاویه دید این پژوهشگران بنا بر تفاوت زمینه‌های پیش‌گفته متعدد و در نتیجه روش و دریافت آنان نیز متنوع خواهد بود. در میان قرآن پژوهان معاصر که با بهره‌گیری از روش‌های جدید، مثل زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و معناشناسی به متن قرآن پرداخته‌اند، می‌توان از ارکون یاد کرد. ارکون نیز با توجه به گفتمان و پارادایم غالب روزگارش و اثرپذیری از آن به بررسی متن قرآن می‌پردازد. روش‌های بررسی وی هم بر مبانی جامعه‌شناختی و پژوهش‌های علوم انسانی و هم تحلیل گفتمان و ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی استوار بوده است. شاید بتوان گفت ارکون برای نخستین بار در میان قرآن پژوهان به انجام چنین مطالعاتی از جنس پژوهش‌های میان رشته‌ای با رویکرد نوین درباره متن قرآن پرداخته است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

افزون بر آثار معرفی و بررسی شده ارکون در مقاله به کتاب‌ها و مقالاتی هم که به گونه‌ای با جستار حاضر مرتبط می‌گردند، به ترتیب اشاره می‌شود.

الف- کتاب‌ها: فهم القرآن الکریم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، محمد عابد الجابری (۲۰۰۸)، مدخل الی القرآن الکریم، محمد عابد الجابری، (۲۰۰۴)، الاتجاه العقلي فی تفسیر، دراسة فی قضیة المجاز فی القرآن عند المعتزلة، نصر حامد ابوزید (۱۹۹۸)، فلسفة التأویل، دراسة فی تأویل القرآن عند محی الدین بن عربی، نصر حامد ابوزید (۱۹۹۸)، الإتیاه العقلي فی تفسیر، نصر حامد ابوزید (۱۹۹۶)، من النقل الی العقل، حسن حنفی (۲۰۱۳)، التراث والتجديد، موقفنا فی التراث القديم، حسن حنفی (۲۰۰۲).

ب- مقالات درباره ارکون: ۱- اسلام‌شناسی کاربردی محمد ارکون، علی رفیع فلاح و مجید منهاجی، فصلنامه رهیافت تاریخی، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۲۴، صص ۷۰-۵۱، ۲- اسلام و سکولاریسم در اندیشه محمد ارکون، نویسنده زواوی بغوره، ترجمه علی منهاجی، تاریخنامه خوارزمی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲۸، صص ۱۵-۲۵، ۴- نگاهی به آرای محمد ارکون، مرتضی بحرانی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۶۶ (علمی، ترویجی، ISC) صص ۷۷-۸۷ در ادامه به بررسی اجمالی مقالاتی که از دیگر نویسندگان و مرتبط با موضوع پژوهش است، پرداخته می‌شود.

نوشتار کوتاه «ارکون در قیاس با جابری و ارکون» حسن انصاری قمی (۱۳۸۹)، کتاب ماه دین، آذر، شماره ۱۵۸، صص ۶۶-۶۷ اثرگذاری ارکون حتی در جهان عرب بسیار کم‌تر از ابوزید بود که بیش‌تر از او از عمق مطالعاتی در حوزه متون کهن برخوردار بود و نوشته‌هایش در غرب البته به دلایل متعدد افزون‌تر محل عنایت قرار گرفت و

طبعاً شهرتی بیش‌تر از ارکون یافت. بر پایه مطالعه نویسندگان عرب به ویژه مغرب عربی، مقایسه ای انتقادی میان دو پروژه ارکون و جابری به فرجام رسیده است. این دو اندیشمند به مقوله های سکولاریسم و مناسبات میان سنت و تجدد و اسلام و غرب توجه نشان می‌دادند، اما رویکردها و نتایج بحث‌ها البته متفاوت بود. در این میان جابری به نوعی نوسازی فکر عربی / اسلامی بر پایه تجربه این رشد تکیه داشت در حالی که ارکون اگرچه به مقایسه غزالی و ابن رشد و تجربه هریک از این دو و پیامدهای تفکر این دو دانشمند برجسته مسلمان عنایت نشان می‌داد ولی برای او فلسفه بیش‌تر در مدل فلسفه مسکویه و عامری و توحیدی تبلور داشت و به بازخوانی تجربه انسان گرایی سده چهارم دعوت کرد. رویکرد ارکون نسبت به اسلام گرایی و جماعات اسلامی هم طبعاً انتقادی بود و از این جهت نیز تا اندازه ای با جابری متفاوت بود. جابری از رویکردی ناسیونالیستی و از خاستگاهی چپ و سوسیالیستی برخوردار بود؛ در حالی که ارکون پایگاهی لیبرالی داشت.

- مقاله «بررسی رویکرد تأویلی نصر حامد ابوزید در خوانش مطالعات دینی»، مسلم طاهری کل کشوندی و یحیی بوذری نژاد، دو فصلنامه تخصصی مطالعات اندیشه معاصر مسلمانان، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۳، صص ۸۱-۹۲، نویسندگان در این جستار ضمن بررسی روش تأویلی ابوزید در خوانش متون دینی به زبان‌شناسی و مسئله خلقت قرآن و مهم‌ترین ویژگی گفتاری آن پرداخته‌اند.

- مقاله «بررسی و نقد مبانی نصر حامد ابوزید در اثبات تاریخ مندی قرآن کریم»، حسن زرنوشه فراهانی، حسین صفره، دو فصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره اول، (پیاپی ۲۵)، صص ۱-۲۲ این نوشتار مباحث تأویلی باتأکید بر تاریخ مندی قرآن کریم و نزول آن در برهه زمانی خاص و مبتنی بر نظام فرهنگی و زبان مردم آن زمان را بررسی کرده است.

- مقاله «بررسی نظر حامد ابوزید در تأویل و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی»، حسنعلی مطیعی، محمد محمدرضایی، علی الله بداشتی، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۱-۲۲. نویسندگان در این جستار دیدگاه ابوزید از متفکران نو معتزلی را درباره تأویل قرآن براساس نظر علامه طباطبایی گزارش و نقد می‌نمایند.

- مقاله «بررسی و تحلیل الگوهای اثرگذار بر اندیشه نصر حامد ابوزید»، حسن زرنوشه فراهانی، حمید ایماندار، علیرضا زرنوشه فراهانی، فصلنامه تخصصی قرآن و حدیث سفینه، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۶۰، صص ۱۳۱-۱۵۶. در این جستار دیدگاه های ابوزید فراتر از اندیشه‌ها نواعزالی اش و با تأثیر از الگوهای شناخته شده برای او، مانند مکتب ادبی امین الخولی در تفسیر، اندیشه های عرفانی ابن عربی، نظریات هرمنوتیکی اندیشمندان غربی و آرا و نظریات مشهور اشعری زرخشی و سیوطی و برخی از اسلام شناسان غیر مسلمان هم چون توشیهیکو ایزوتسو در مطالعات قرآنی بررسی گردیده است.

- مقاله «اندیشه های ابوزید و برداشت از قرآن»، حسن نقی زاده، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، ۱۳۸۴، شماره ۸۹، صص ۱۳۵-۱۶۲. نویسنده دیدگاه های ابوزید را که از هرمنوتیک، زبان شناسی و معنا شناسی جدید تأثیر پذیرفته و برآیند آن دست کشیدن از کارآمدی و اعتبار آیات قرآنی در مقام عرضه و اثبات بسیاری از معانی و مقاصدی می باشد که در تفسیر سنتی معتبر شناخته می شوند، تبیین نموده است.

۱-۲. پرسش های پژوهش

۱. ارکون چگونه در روش پژوهشی قرآن خود از شیوه ها و رویکردهای مطالعات نوین علوم انسانی بهره می گیرد؟
۲. این مطالعات در شناخت و انتقال و کاربرست روش خاص ارکون در قرآن پژوهشی از چه کارایی ها و توانمندی هایی برخوردار است؟
۳. روش شناسی ارکون در چه گستره هایی قابل بررسی و نقد می باشد؟

۱-۳. فرضیه های پژوهش

۱. ویژگی های گفتمان قرآنی ارکون در جست و جوی روش های زبان شناختی تاریخی و زیر مجموعه های آن در راستای تحلیل متن قرآن است.
۲. روش شناسی ارکون با وجود برخورداری از همه رویکردهای مطالعات زبان شناختی و رهایی از چالش های تاریخی، ادبی و اجتماعی به منظور تحلیل گفتمان قرآن دچار خلط روشی و عدم ارایه نظامی یکپارچه و منسجم می گردد.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن پژوهی معاصر با توجه به نقد شیوه سنتی و رویکرد به روش شناسی نوین و بهره گیری از مطالعات جدید علوم انسانی به ویژه در گستره های زبان شناختی، معنا شناسی، تاریخمندی در گفتمان خود از یک سو هم به تجدید نظر در میراث پژوهش های قرآنی در سازه های فقه اللغة و تحلیل متن و بررسی ادبی و تاریخی می پردازد و از سویی دیگر به چالش های جنجال بر انگیز در عرصه شیوه های گفتمان قرآنی و شناخت زبان وحی دامن می زند. بررسی و نقد این رویکردهای نوین و آگاهی از میزان کارایی آن ها در پاسخگویی به همه پرسش هایی که از دیر باز تاکنون مطرح گشته است، اهمیت و ضرورت بنیادی این پژوهش ها را موجه می گرداند.

۱-۵. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی روش شناسی ارکون را در قرآن پژوهی معاصر باتکیه بر مطالعات نوین علوم انسانی و در گستره خوانش های تاریخی و زبان شناختی و نشانه شناسی و مراجعه به آثار این

نویسنده و دیگر مقالات و کتاب‌های مرتبط با این جستار در حوزه‌های معرفت‌شناسی، اصلاح تفکر تاریخی، تحلیل متن، اسطوره‌شناسی و ساختارگرایی و دسته‌بندی آن‌ها پی می‌گیرد.

۲. نگاهی به آثار محمد ارکون با توجه به روش‌مندی پژوهش

در یک نگاه کلی، آثار ارکون را می‌توان در حوزه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۲. حوزه اندیشه عربی - اسلامی

صبغه عمومی این دسته از آثار اندیشه عربی اسلامی است، اما از متن قرآن و نقد به نگرش سنتی در فهم آن سخن می‌گوید. به عنوان نمونه در کتاب *الفکر العربی* (۱۹۸۵) هر چند به اندیشه عربی می‌پردازد، اما به تاریخ انتقادی متن قرآن هم توجه دارد. یا در *الفکر الاسلامی - قراءة علمية* (۱۹۹۶) در پیاده‌سازی روش‌شناسی ساختارشکن برای تبیین اندیشه عربی - اسلامی برای ورود به دنیای عقل نوین است. در کتاب "تاریخیه *الفکر العربی الاسلامی*" (۱۹۹۸) در فصل‌های هشت‌گانه به مفهوم عقل اسلامی، بازسازی در اندیشه اسلامی و دین و جامعه می‌پردازد. در کتاب "الفکر الاسلامی - نقد و اجتهاد" (۲۰۰۷) به دیدگاه انتقادی در حوزه علوم انسانی اشاره می‌نماید که طبق معمول و تفسیرهای رایج در جهان عرب فراتر است

۲-۲. حوزه روش‌شناسی

در حوزه روش‌شناسی به ویژه روش‌شناسی فهم قرآن وی به دغدغه‌های روش خود در باب فهم قرآن و تحلیل متن آن می‌پردازد، از جمله آثار این حوزه می‌توان به "القرآن من التفسیر الموروث الی تحلیل الخطاب الدینی" (۲۰۰۱) اشاره کرد.

وی در این اثر به روش‌شناسی‌های نوین، مثل زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و ساختارگرایی روی می‌آورد که هدفش کشف ساختار زبانی متن قرآن و تحلیل شبکه معنایی و دلالتی آن است. در این حوزه می‌توان به یکی از مهم‌ترین آثار ارکون، یعنی کتاب «*قضايا فی نقد العقل الدینی*» (۲۰۰۰) اشاره کرد که آن را می‌توان پایه و اساس معرفت‌شناختی نظام اندیشگانی وی به شمار آورد. ارکون در این کتاب به چالش‌های معرفت‌شناختی میان روش خود و مسلمانان سنت‌گرا می‌پردازد که مانع فهم پروژه او شده است. از نظر او علت این گسست در ارتباط، موانع معرفت‌شناختی شمرده می‌شود. البته در این اثر از مسائلی چون جهانی‌سازی، تسامح، غرب‌ستیزی و بنیادگرایی هم سخن گفته است.

از مطالعه این آثار می‌توان دریافت روش‌شناختی فهم متن به ویژه قرآن دغدغه اصلی ارکون است. وی در روش‌شناسی خود بر موارد زیر توجه ویژه داشت که این امور از مبانی روش‌شناختی او به شمار می‌آیند:

۱- نقد پژوهش‌های سنتی یا بی‌روشی که به بررسی و تحلیل متون دینی می‌پرداختند؛

۲- نقد عقلانیت سنتی که عقلانیت آزاد و رها نیست؛

۳- بازخوانی متن قرآن با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین پژوهش.

وجه غالب روش‌شناسی ارکون، روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای است، به عبارت دیگر او بر جمع و همگرایی روش تأکید دارد، چون بر هر پژوهشگری لازم است شیوه به کارگیری روش‌های مختلف پژوهش و چگونگی پیوند میان آن‌ها را بداند تا به این وسیله راه را برای کثرت‌گرایی روش هموار نماید. همگرایی ناظر بر جمع و هماهنگی میان سه سطح از تحلیل است: تحلیل جامعه‌شناختی، تحلیل تاریخی و تحلیل زبان‌شناختی ... (ارکون، ۱۹۹۷: ۴۴-۴۵)

ارکون با توجه به این سطوح از روش‌شناسی، گفتمان را نیز بر اساس همین مبانی روش‌شناختی توصیف می‌کند؛ لذا گفتمان قرآنی از نظر وی چنین توصیف می‌شود: «گفتمان قرآنی از یک سو گفتمان دینی است و از یک سوی دیگر گفتمان نبوی، قرآن با بلاغت باشکوه خود از موضوع‌های بنیادین بشری مثل زندگی، مرگ، جهان آخرت، سخن می‌گوید و در عین حال مبانی اخلاقی با صبغه جهانی و کیهانی آن وجود دارد». (ارکون، ۱۹۹۸ الف: ۹۱). از این رو ارکون بر آن است که قرآن، یکی از متون پر اهمیت کیهانی به شمار می‌آید. (ارکون، ۱۹۸۶: ۱۰۷)

۳. ویژگی‌های گفتمان قرآنی از دیدگاه ارکون

ارکون گفتمان قرآنی را با توجه به روشی که انتخاب کرده است دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

۳-۱. وجه زبان‌شناختی گفتمان قرآنی

از نظر او گفتمان قرآنی از حیث داده‌های ساختی، نحوی، معنایی، بلاغی، سبک‌شناختی و ریتم ویژه قرآن با هر گفتمانی در زبان عربی متفاوت است. (ارکون، ۱۹۹۶: ۲۷) قرآن از نظر ارکون «دارای یک فضای زبانی باز و گشوده و دارای تعدد معانی و گفتمان مجازی و نمادین و در عین حال دارای ساختی الهیاتی است». (ارکون، ۱۹۹۸ الف: ۱۰۲)

۳-۲. وجه تاریخی و فراتاریخی گفتمان قرآنی

ارکون بر آن است که گفتمان قرآن، حوادث گذرای تاریخی را با نجات بخشی آن جهانی، به هم پیوند می‌زند؛ یعنی زمان عادی فعل بشری را با زمان ابدی پیوند می‌دهد و زندگی این جهانی را با زندگی ویژه؛ در قرآن صبغه تاریخی در آیات و سوره‌هایی که به مسایل سیاسی اجتماعی و فرهنگی پیامبر ﷺ می‌پردازد، آشکار است، اما قرآن وجه تاریخی آیات، مثل اسامی مکان‌ها، اسم‌های خاص، رخدادهای شخصی را حذف می‌کند تا وجه تاریخی به معنای معمول و مألوف را از آن بزدايد (ارکون، ۱۹۹۶: ۷۲) این رویکرد؛ یعنی فراتاریخی بودن متن قرآن؛ هرچندکه ارکون به آن تصریح نکرده است.

۳-۳. وجه معرفت شناختی گفتمان قرآنی

از نظر معرفت شناسی، «گفتمان قرآن نظام معرفت شناختی برگشوده بر انسان و جهان است». (ارکون،

۱۹۹۸ ب: ۱۷۹)

۴. روش های تحلیل متن قرآن از نظر ارکون

ارکون با توجه به ویژگی های گفتمان قرآنی که در بالا به آن اشاره رفت در پی روش هایی است تا بتوان با آن به تحلیل متن قرآن پرداخت و در نتیجه از معانی ژرف آن آگاهی یافت؛ لذا برای نیل به این مقصود از روش های زیر بهره می گیرد:

۴-۱. روش زبان شناختی

این نکته روشن است که قرآن قبل از هر چیز یک متن می باشد و فهم متن هم باید بر مبانی زبان شناختی صورت گیرد و راز متن هم با به کارگیری سازوکارهای زبانی آشکار می گردد. زبان در متون دینی به عنوان نماد و نشانه به کار می رود و یافتن رابطه دال و مدلول و کشف نشانه های متن و پیوند ذهن و زبان در متن از مسایل زبان شناسی متن به حساب می آیند. البته ارکون از این نکته غافل نیست که در دام تحمیل مبانی زبان شناختی بر متن قرآن نیفتد، بلکه با اعتراف به کاستی های خوانش زبان شناختی در خصوص کتاب مقدسی چون قرآن بر آن است که به هیچ مکتب زبان شناختی وابسته نیست و آشکارا اظهار می دارد "در هر حال از همان آغاز باید اعلام نماییم که ما تابع هیچ مکتب زبان شناختی مشخصی نیستیم." (ارکون، ۲۰۰۵: ۱۱۲).

ارکون ضمن اعلام موضع خود نسبت به روش زبان شناختی، روش خود در این حوزه را نیز توضیح می دهد. از نظر او کاربرد روش زبان شناختی «اکتشاف» است. در این باره می گوید: "تمام آنچه در پی بیان آن هستم این است که این روش تنها ارزش اکتشافی یا فرضیه سازی دارد و در واقع هیچ مکتب زبان شناختی را بر دیگری ترجیح نمی دهم." (همان، ۱۲۱).

پرسش این است که چرا ارکون خوانش زبان شناختی متن قرآن را به عنوان روش اول خود بر می گزیند؟ علت این گزینش آن است که خوانش زبان شناختی افق هایی را برای خوانشگر می گشاید که روش های دیگر این کارآیی را ندارند هر چند که ارکون خود اعلام کرده است کاربرد این روش اکتشافی است؛ اما به نظر می آید تنها این توجیه از نظر او در گزینش این روش و خوانش کافی نباشد، بلکه متن قرآن را دارای ویژگی های زبانی قابل بررسی می داند، از جمله این که از نظر ارکون گفتمان قرآن "گفتمانی مدون و منسجم به شمار می رود که مطابق شرایط عام گفتمان تولید شده است." (همان، ۱۱۴). به عبارت دیگر "انسجام و همگنی متن قرآن بر شبکه واژگانی یا زبانی گسترده و یا الگوی روایی یا نمایشی واحد - غیر قابل تغییر - متمرکز است." (همان، ۱۱۵).

از همین رهگذر ارکون به این نتیجه می‌رسد که "متن قرآنی به مثابه ابداع و آفرینش است و زاینده متون درجه دوم یا خوانش‌هایی که از این اثر کامل زاینده می‌شود". (همان، ۱۱۷).

البته مراد ارکون از متن ابداعی؛ یعنی متن تأسیسی و متن درجه اول، متنی است که توان تولید و زایش متون درجه دوم را دارد و به مثابه خوانش‌هایی برآمده از آن می‌باشد تا دوباره متنی تازه را بنا کند.

۴-۲. روش تاریخی

علاقه و گرایش ارکون به روش تاریخی در مطالعات قرآنی در آثار او آشکار است. ارکون بر آن است که فهم قرآن به مثابه وحی و کلام خداوند با حوادث تاریخی گره خورده است و تحلیل و تفسیر آن بدون در نظر داشتن بافت تاریخی حاکم بر آن چندان ره به حقیقت نمی‌برد. در تفسیر و تحلیل متون قدسی همیشه با سه گانه ای به نام "وحی، تاریخ و حقیقت" مواجه هستیم. برهم کنشی این سه بر هم موجب می‌شود تا پژوهشگران متن قرآنی در مطالعات خود این سه عنصر را در نظر داشته باشند. ارکون با در نظر گرفتن روش تاریخی یا خوانش تاریخی متن قرآن در بازخوانی زبان قرآن، در پی تمایز بخشی و تفکیک دوگونه اسلام است. اسلام نمادین و اسلام تاریخی. (ارکون، ۱۹۸۱: ۱۰)

مراد از اسلام نمادین، همان اسلام الگو یا اسلام ناب است که در قرآن و سنت قابل اعتماد آمده و مراد از اسلام تاریخی، آن است که در کشاکش حوادث و در آمیختگی با دیدگاه‌های متعدد در طول تاریخ شکل گرفته است. به نظر می‌رسد ارکون با این تفکیک در پی آن است تا بازدودن غبار ایدئولوژیک از اسلام تاریخی به اسلام الگو یا اسلام نمادین دست یابد. وی در همین راستا در تفکیک دانشی که توسط اهل سنت و شیعه تولید شده است اشاره می‌نماید که چگونه مناسبات تاریخی در تولید دانش این دو نگرش مذهبی تأثیر گذاشته است. از نظر ارکون "دستاورد دانش اهل سنت به دلیل این که غالباً بر قدرت تکیه زده بودند محافظه کارانه تر و واقع‌گرایانه تر و نزدیک به قدرت حاکم بوده است، اما در مقابل، شیعیان جز مدت کوتاهی، همیشه تحت ستم و دور از مناسبات قدرت بوده‌اند و در موضع مخالف قرار داشتند، بنابراین روشی که آن‌ها پدید آورده‌اند ویژگی‌هایی، مانند مبارزه طلبی و در اقلیت بودن را به همراه داشته است. در ضمن شیعیان دیدگاهی تراژیک به تاریخ داشتند که در آن قدرت مشروعشان غصب شده است." (ارکون، ۱۹۹۶: ۲۸-۲۹)

از نظر ارکون خوانش تاریخی، یعنی خوانشی بر مبنای ظهور و بروز رخداد گفتمان؛ لذا از خوانش زبان شناختی به تحلیل تاریخی و انسان‌شناختی روی می‌آورد. بررسی متن قرآن از نظر او باید به دو نگرش تاریخی و انسان‌شناختی صورت گیرد چون متن قرآن از نظر او بایسته است از نظر روش به مثابه یک پدیده مرکب جامعه شناختی و زبان‌شناختی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. (ارکون، ۱۹۹۸: ۲۵۲)

ارکون بر اهمیت بررسی "تاریخ زبان" و به عبارتی زبان به منزله یک امر تاریخی تأکید دارد، چون قرآن در ذات خود یک نظام معرفتی به شمار می‌رود که از زبان شکل گرفته است. "قرآن قاموس واژگانی ویژه یا فضایی واژگانی خاصی را آفریده است که در کلیت نظام فکری یا معرفتی آن به کار گرفته شده است" (ارکون، ۲۰۱۳: ۱۲۹).

ارکون با طرح پرسش مهمی در باب خوانش زبان‌شناختی متن قرآن می‌گوید: "آیا زبان عربی قرن هفدهم میلادی همان زبان عربی در قرن بیستم یا بیست و یکم است؟" (همان، ۱۶۱).

او در پاسخ به این پرسش می‌گوید "نمی‌توان به معنای تاریخی کامل عبارات زبانی قرآن دست یافت، چون آن قاموس واژگانی فراگیر زبان کهن عربی در دسترس نیست." (ارکون، ۲۰۰۵: ۱۶).

با توجه به این نگرش است که ارکون اعتقاد دارد معنا در قرآن بیش‌تر از طریق مجاز، مثال، حکمت و رمز بیان می‌شود تا استدلال منطقی. " (ارکون، بی تا: ۲۸۳).

به همین جهت معانی موجود در قرآن باز هستند و قرآن هم به مثابه یک متن باز تلقی می‌شود و رو بر همگان گشوده است. چنان که می‌گوید: "قرآن توانایی و شایستگی آن را دارد که رویکرد های اعتقادی متنوعی را با توجه به تنوع شرایط تاریخی که در آن به پدید می‌آید به وجود آورد." (ارکون، ۱۹۹۶: ۲۴۱).

از نظر ارکون این حالت ناشی از حضور عنصر مجاز می‌باشد که خود نمایانگر یکی از سه سطوح حرکت ادبی در متن قرآن؛ یعنی "سطح مجازی، سطح روایی و سطح سبک‌شناختی است." (ارکون، ۱۹۹۸: ۳۴).

او از همین رهگذر بر آن است که قرآن از حیث ساخت، ساخت اسطوره‌ای دارد و گفتمان قرآن بر ساخت اسطوره‌ای بنا شده است. البته ارکون باور دارد که قرآن دارای گفتمان‌های زیر هم می‌باشد:

- گفتمان ساختگرا؛

- گفتمان روایی؛

- گفتمان تشریحی؛

- گفتمان حکمت؛

- گفتمان تسبیح و تنزیه؛

- گفتمان مناسکی.

اما تمام این گفتمان‌ها در آن واحد در متن قرآن فعال هستند. (ارکون، ۱۹۹۶: ۱۱۴). ارکون بر گفتمان ساخت اسطوره‌ای تأکید می‌نماید و آن را ویژگی تمایز بخش میان آن و دیگر گفتمان هادر تمام گونه های ادبی در جهان به شمار می‌آورد. (همان، ۲۳۹). نکته مهم در اندیشه ارکون در باب گفتمان اسطوره‌ای این است که وی اسطوره را به داستان ارجاع می‌دهد ولی نه این داستان های خرافی و دور از حقیقت (همان، ۱۱۴). و در جای دیگر ساخت اسطوره‌ای را به مجازی بودن و رمزی بودن آن می‌داند که «بر امر مطلق و چند معنایی رو گشوده است.» (ارکون، ۱۹۹۸ الف: ۱۶۷).

ارکون در خوانش علم گرایانه به اندیشه اسلامی بر آن است که قرآن پدیده ای تاریخی است. یعنی "اسلام در تاریخ حضور دارد نه بیرون از آن". (همان، ۱۶۱). به عبارتی وی با این سخن در پی انکار جهان شمولی اندیشه اسلامی و فرازمانی و مکانی بودن آن است. ارکون در این زمینه متأثر از روش‌های علمی در فلسفه مدرن است و همان روش نقد فقه اللغه ای و تاریخی بر تورات و انجیل را در بررسی متن قرآن اعمال می‌نماید و فراتر از این بر آن است، «تمام مؤلفه های دینی، مثل باور به خداوند، نبوت و امر مقدس، ثواب و پاداش و مناسک باید در بوته بررسی و نقد تاریخی قرار گیرند». (ارکون، ۲۰۰۲: ۱۰۴)

۵. ارکون و ساز و کار فهم قرآن

ارکون ضمن نقد ساز و کارهای فهم معنای متن قرآن توسط مفسران کلاسیک در جهان اسلام برخی از روش‌ها و ساز کارهای موجود توسط خاورشناسان را نیز نقد می‌کند. از نظر وی «روش خاورشناسان در فهم و تحلیل متن قرآن در نادیده گرفتن جنبه‌های الهیاتی، قدسی، روانشناختی و ایدئولوژیک وحی است» (ارکون، ۲۰۰۵: ۴۲) از نظر او متن قرآن دارای لایه های معنایی است؛ لذا رویکرد های ساخت گرایانه محض و یا تفسیرهایی که بر جنبه تک معنایی متن قرآن تأکید می‌کنند رویکردهای نادرست و بی روحی هستند. به همین جهت ارکون در مسئله ساز و کارهای فهم قرآن بر دانش‌هایی جدید، مثل علوم انسانی، زبان شناسی و تاریخ تمرکز دارد. البته ارکون در میان این روش‌ها دست به گزینش می‌زند و به برتری و اولویت آن‌ها اشاره دارد. مثلاً رویکرد نشانه شناختی از نظر او از اولویت برخوردار می‌باشد و این به آن جهت است که در رویکرد نشانه شناختی می‌توان تمام سطوح زبانی متن را که در شکل‌گیری معنا اثرگذار است، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. ارکون این روش را در کتاب "القرآن من التفسیر الموروث الی الخطاب الدینی" بر سوره‌های حمد، توبه و کهف تطبیق داد و به نتایج قابل ملاحظه دست یافت، به عنوان نمونه در خوانش سوره فاتحه به نتایج مهم دست یافته است. وی در این خوانش به رویکرد زبان‌شناختی، نشانه شناختی و معناشناختی روی آورده است. او خود این رویکرد و خوانش را پروتوکل زبان شناختی - نقدی می‌نامد و آن را در برابر پروتوکل خوانش آیینی - مناسکی قرار می‌دهد. " (همان، ۱۲۳).

هدف ارکون از خوانش زبان‌شناختی، تبیین ارزش‌های زبان شناختی محض متن و مراد وی از "نقدی" بیان این مطلب است که هر آن چه او می‌گوید تنها یک کار اکتشافی است. (همان، ۱۲۱)

ارکون در بررسی زبان شناختی، مؤلفه های زبانی سوره را چنین برمی‌شمارد: حروف، واژگان، افعال، اسما، ساخت صرفی و نحوی آن و مؤلفه های قابل بررسی، مثل ادوات تصریف و تنکیر، صفات، ضمائر، نظام فعلی، نظام اسمی، ساخت های نحوی، نظم و ریتم (همان، ۱۲۳).

ارکون پس از تحلیل ضمائر و افعال در سوره حمد و واژگان اساسی یا اصلی در این سوره، یعنی الله، حمد، رب، صراط، حوزه معنایی این واژگان را در دو مرحله بررسی می‌کند:

۱- ارتباط این واژگان با ساخت‌های ریشه‌شناختی قاموس عربی؛ یعنی واژگان زبان عربی؛
 ۲- ارزیابی تحولات معنایی آن‌ها در درون نظام واژگانی به کار گرفته شده از جانب واژگان قرآنی. (همان، ۱۳۱)
 اما نتیجه‌ای که ارکون از این تحلیل معنایی می‌گیرد، این است که میان قرآن و دیگر متون رایج عربی آن روزگار هم تفاوت وجود دارد و هم همگنی؛ یعنی واژگانی یافت می‌شوند که در حجاز رایج بوده و قرآن آن‌ها را به کار گرفته ولی معنایی تازه به این واژگان داده است که با نگرش دینی تناسب و سازگاری دارد (همان)
 ارکون در پایان خوانش زبان‌شناختی از سوره حمد به این نتیجه می‌رسد که این سوره دارای ریتم، نظم، اوج و فرود، آوا و تراکم در بیان است و بر این نکته تأکید دارد که ادبیات سرشاری در زبان عربی به ویژه در دو حوزه نظم و ریتم در آن هست و خوانش سنتی در این باب را اهمیت می‌دهد که در دانش تجوید بر آن تکیه می‌شده است. ارکون می‌گوید در این متن کوتاه ما با دو قافیه (ایم) و قافیه (این) سر و کار داریم.

قافیه (ایم) در: بسم الله الرحمن الرحيم، اهدنا الصراط المستقیم
 قافیه (این) در: الحمد لله رب العالمین، مالک يوم الدين، ایاک نعبد و ایاک نستعین، غیر المغضوب علیهم
 ولا الضالین.

وی از غلبه برخی حروف در این سوره اشاره دارد:

میم: ۱۵ بار

لام: ۱۲ بار

عین: ۵ بار

ها: ۵ بار

در پایان از این داده‌ها نتیجه می‌گیرد که "ما می‌دانیم که تفسیر سنتی به هر یک از این واحد‌های آوایی و تکرارها ارزش نمادین می‌دهد؛ لذا تحلیل نظمی و ریتمیک این نشانه‌ها یا واژگان بایسته است با بررسی نمادین باشد." (همان، ۱۳۴)

۶. نقد پروژه ارکون

خاستگاه‌های معرفت‌شناختی ارکون بسیار است به عبارتی او از منابع متعدد معرفتی چون زبان‌شناسی، رویکردهای تاریخی، انسان‌شناسی و فلسفی بهره برده است. همه این آبخورهای معرفتی در نظام فکری او حضور دارند.

به همین جهت مشکل این نظام‌های چندگانه معرفتی آن است که همگی دارای روش، رویکرد، اهداف و نتایج ویژه خود هستند. از این رو ممکن است که این‌ها در اموری با هم در تناقض بیفتند. او خود در آشارش به مورخان توصیه می‌کند که در دام این تناقض و پیریشانی نیافتند، تناقضی که خود دچار آن شده است. در جایی

تذکر می‌دهد که مورخ نباید ابزار فقه اللغة ای، زبان شناختی، روان شناختی جامعه شناختی، معناشناختی، نشانه شناختی و انسان شناختی را با هم ادغام نماید. (ارکون، ۲۰۰۲: ۳۳۳)

اما عجیب است که ارکون آن نقدی را که بر روش‌شناسی خاورشناسان در بررسی اسلام و اندیشه اسلامی روا می‌داند، بر خود او نیز وارد است. در جایی می‌گوید "مشکل خاورشناسان آن است که با پیش فرض‌های فلسفی، الهیاتی و ایدئولوژیک ویژه خود درباره اسلام سخن می‌گویند." (ارکون، ۱۹۹۶: ۳۷)

گاه ارکون از روش‌ها چنان سخن می‌گوید که گویی از دانش‌های یقینی هستند و یا روش‌های درست و بدون اشکال به شمار می‌روند و وقتی از مطالعات زبان شناختی معاصر سخن می‌گوید گویی از دستاوردهای غیر قابل تردید بشری می‌باشند. (ارکون، ۱۹۹۶ الف: ۳۴)

۱-۶. جایگاه دین وحی در پروژۀ ارکون

ارکون هنگامی که از دین سخن می‌گوید آن را امری تاریخی می‌داند؛ یعنی در درون تاریخ شکل گرفته است نه خارج از آن. (ارکون، ۱۹۹۵: ۱۷۱) و وقتی از وحی سخن می‌گوید آن را به معانی زیر برمی‌گیرد:

- ۱- وحی رخداد معنای جدیدی در فضای درونی انسان است؛
- ۲- معنایی گشاینده امکانات بی‌نهایت است (ارکون، ۱۹۹۸ الف: ۷۹)؛
- ۳- پدیده‌ای خارق‌العاده و خارج از چارچوب اراده ما است (ارکون، بی تا: ۲۳۹)؛
- ۴- وحی از کارکرد پیامبری جدا و کلامی تجویزی نیست که از آسمان نازل شده باشد تا آدمیان را وا دارد تا مناسکی را تکرار نمایند. وحی معنایی را به هستی پیشنهاد می‌کند که قابل بازنگری و تأویل پذیر در درون پیمانی می‌باشد که میان آزادی آدمی و خداوند بسته شده است (ارکون، ۲۰۰۵: ۸۵)؛
- ۵- میان زبان و وحی پیوندی برقرار است که با هر بار ظهور، زبان تازه‌ای را در ما به ظهور می‌رساند (ارکون، ۲۰۰۵: ۷۹)؛

۶- مفهوم تنزیل در رابطه با وحی، مجاز مرکزی و اصلی متن مقدس است. (ارکون، ۱۹۹۱: ۷۴)

این نگرش به وحی و دیگر سخنانی که ارکون در مورد وحی دارد معمولاً بر آمده از همان خلط روشی و رویکردی به مسئله اندیشه دینی است. وقتی از وحی به عنوان رخدادی در فضای درونی آدمی؛ یعنی پیامبر ﷺ سخن می‌گوید فراموش می‌کند که در مطالعات زبان شناختی یک ارتباط کلامی دارای چهار مؤلفه است: فرستنده، گیرنده، کانال ارتباطی و پیام. چگونه ممکن است درباره وحی این گونه سخن گفت؟؛ یعنی تنها ارتباط کلامی میان خدا و درون پیامبر باشد؟ ارکون علاوه بر این که به مفاهیم اساسی در اندیشه اسلامی گرایش نشان می‌دهد و آن‌ها را با روش خود تحلیل می‌کند و به نتایج مورد نظر خود می‌رسد، به نقد اندیشه اسلامی شکل گرفته در تاریخ اندیشه اسلامی هم می‌پردازد.

۲-۶. ناب‌سازی اندیشه دینی و نقد اجتهاد سنتی

از دغدغه‌های مهم او ناب‌سازی اندیشه اسلامی است؛ لذا به نقد اجتهاد سنتی می‌پردازد و بر آن است این اجتهاد بر مؤلفه‌های معرفت‌شناختی کهن تکیه دارد و دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- خلط میان امر اسطوره‌ای و تاریخی؛

۲- تقدیس دگماتیک ارزش‌های اخلاقی و دینی؛

۳- تمرکز بر قدسیت معنایی که از جانب خداوند آمده است (ارکون، ۱۹۹۸، ب: ۸۰).

ارکون در این سخنان میان آن‌چه که اندیشه اسلامی برآمده از کتاب و سنت درست است و میان آن‌چه که در واقعیت جوامع اسلامی ظهور و بروز پیدا کرده، خلط می‌نماید. از این رو، روشن نیست که از امر اسطوره‌ای چه چیزی را مراد می‌کند و منظور وی از خلط امر اسطوره‌ای با امر تاریخی چیست؟ چرا تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و دینی به معنای گرفتار شدن در دگماتیسم است؟ ارکون خود بر این باور است که وحی امری قدسی است ولی تمرکز بر قدسیت معنای وحیانی را بر نمی‌تابد.

۳-۶. اهداف پروژه ارکون

پس از این مطالب بایسته است به اهداف ارکون در پروژه‌ای که دارد، اشاره کنیم تا روشن شود آیا با روش‌ها و رویکردهای وی تطابق دارد. اهداف او را می‌توان چنین برشمرد:

۱- پالایش اندیشه اسلامی از رویکرد ایدئولوژیک؛

۲- طرح چالش‌های تاریخی، ادبی، اجتماعی و زبان‌شناختی؛

۳- رهایی از دگماتیسم نظام فکری کلاسیک مسلمانان؛

۴- کاهش خشونت ورزی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی؛

۵- کشف حقیقت در گذشته و حال؛

۶- تأکید بر گرایش انسان‌گرایانه؛

۷- تبیین ویژگی‌های زبان‌شناختی گفتمان نبوی.

با همه تلاشی که ارکون در راستای ناب‌سازی اندیشه اسلامی و رویکرد به روش‌شناسی ویژه خود در قرآن پژوهی معاصر می‌نماید و در این مسیر با بهره‌گیری از مطالعات نوین علوم انسانی هم‌چون زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخی‌گری به تجدید نظر در میراث سنتی و کهن علوم و اندیشه اسلامی می‌پردازد، اما چون خاستگاه‌های چندگانه معرفتی ارکون با روش، رویکرد و اهداف و نتایج خاص بسیار است، به تناقضی گرفتار می‌آید که در آثار خود مورخان را از درافتادن در آن برحذر می‌دارد. او با وجود کامیابی در جمع میان این دو نگرش، به واسطه خلط روشی توانسته است از منظومه فکری اش ساختاری منسجم و هماهنگ ارزیابی نماید.

نتیجه گیری

۱. ارکون می‌کوشد تا با تکیه بر روش شناسی خود میان روش‌ها و مطالعات موجود جهان مدرن در فهم روشمند قرآن و روش الهیاتی پیوند برقرار نماید؛
۲. او در این مسیر از روش‌ها و پژوهش‌های نوین زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و معناشناسی و تاریخمندی و ساختارگرایی و اسطوره‌شناسی بهره می‌گیرد؛
۳. از مطالعه مجموعه آثار ارکون می‌توان دریافت که روش شناسی فهم متن به ویژه قرآن دغدغه اصلی و بنیادی او به شمار می‌آید؛
۴. نقد پژوهش‌های سنتی و پرداختن به بررسی و تحلیل متون دینی با فقدان روش مناسب کارآمد، نقد عقلانیت سنتی و آزاد و رها نبودن آن، بازخوانی متن قرآن با بهره‌گیری از شیوه‌های مدرن از مبانی روش‌شناسی او شمرده می‌شوند؛
۵. گفتمان قرآن از دیدگاه ارکون با توجه به روشی که گزینش نموده در نظر گرفتن کاربرد و کاربری آن در منظومه فکری و شیوه پژوهشی او دارای ویژگی‌ها و نشانه‌های زیر است: الف- وجه شناختی؛ ب- وجه تاریخی و فراتاریخی گفتمان قرآن؛ ج- وجه معرفت‌شناسی قرآن؛
۶. متن قرآن از نظر او بایسته است از حیث روشی به مثابه یک پدیده مرکب جامعه‌شناختی و زبان‌شناختی در معرض سنجش و ارزیابی قرار گیرد؛
۷. نگرش ارکون به وحی و دیگر سخنانی که در این باره دارد معمولاً برآمده از همان خلط روشی و رویکرد به مسئله اندیشه دینی است. او بر این باور است که وحی امری قدسی است ولی تمرکز بر قدسیت معنای وحیانی را بر نمی‌تابد؛
۸. درباره اسطوره روشن نیست که از آن چه چیزی را قصد می‌کند و منظور وی از خلط امر اسطوره‌ای با امر تاریخی چیست و چرا تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و دینی گرفتار شدن در دام دگماتیسم است؛
۹. ارکون تلاش می‌کند تا با استفاده از دانش جدید در مغرب زمین به تبیین و تحلیل گفتمان قرآنی و به طور عام تر گفتمان اسلامی بپردازد. هرچند در این کوشش گاه کامیاب است ولی گاهی به واسطه خلط روشی که دچار آن شده، نتوانسته است از منظومه فکری اش ساختار و نظامی منسجم ارایه نماید.

منابع و مآخذ

١. ابوزيد، نصر حامد (١٩٩٨)، الاتجاه العقلي في التفسير، دراسة في قضية المجاز في القرآن عند المعتزلة، بيروت: المركز الثقافي العربي.
٢. _____، (١٩٩٨)، مفهوم النص، دراسة في علوم القرآن، بيروت: المركز الثقافي العربي.
٣. _____، (١٩٩٨)، فلسفة التأويل، دراسة في تأويل القرآن عند محي الدين ابن عربي، بيروت: المركز الثقافي العربي.
٤. _____، الاتجاه العقلي في التفسير، بيروت: دارالبيضاء.
٥. _____، (١٩٩٩)، اشكاليات القراءة و آليات التأويل، بيروت: المركز الثقافي العربي.
٦. اركون، محمد (١٩٩٧)، نزعة الانسنة في الفكر العربي، جيل مسكويه والتوحيد، ترجمة هاشم صالح، بيروت: دارالساقى.
٧. _____، (١٩٩٨)، الفكر الاسلامي (نقد و اجتهاد)، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالساقى.
٨. _____، (١٩٨٦)، الاسلام (اصالة و معاصرة)، ترجمة احمد خليل، الطبعة الأولى، بيروت: دارالساقى.
٩. _____، (١٩٩٦ف)، الفكر الاسلامي (قراءة علمية)، ترجمة هاشم صالح، الطبعة الثانية، مغرب: مركز الإنماء القومي.
١٠. _____، (١٩٩٨)، تاريخية الفكر الاسلامي، ترجمة هاشم صالح، الطبعة الثالثة، بيروت: المركز الثقافي العربي.
١١. _____، (٢٠٠٥) القرآن من التفسير الموروث الى تحليل الخطاب الديني، ترجمة هاشم صالح، الطبعة الثانية، بيروت: دارالطليعه.
١٢. _____، (١٩٨١)، الاسلام، التاريخية والتقدم، بيروت: مجلة مواقف، العدد الاربعون.
١٣. _____، (٢٠١٢)، التشكيل البشري الاسلام، مقالات مع رشيد بن زين، لويي شليجل، ترجمة هاشم صالح، الطبعة الأولى، بيروت: المركز الثقافي العربي.
١٤. _____، (بي تا)، قضايا في النقد العقل الديني، ترجمة هاشم صالح، بيروت: دار الطليعه.
١٥. _____، (١٩٩٦) منافذة على الاسلام، ترجمة صياح الجحيم، الطبعة الأولى، بيروت: دارعطية.
١٦. _____، (٢٠٠٢) العلمنة والدين، الاسلام والمسيحية والغرب، الطبعة الثالثة، بيروت: دارالساقى.
١٧. _____، (١٩٩٥) الاسلام، اوروبا، الغرب، ترجمة هاشم صالح، الطبعة الأولى، بيروت: دارالساقى.

۱۸. _____، انصاری، حسن (۱۳۸۹)، «ارکون در قیاس با جابری و ابوزید، کتاب ماه دین، شماره ۱۵۸، صص ۶۶-۶۷».
۱۹. بحرانی، مرتضی (۱۳۹۰)، «نگاهی به آرای ارکون»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، علمی ترویجی (ISC)، پاییز، شماره ۶۶ صص ۱۷۸-۱۸۷».
۲۰. جابری، محمد عابد (۲۰۰۸)، فهم القرآن الکریم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة».
۲۱. _____، (۲۰۰۴)، مدخل الی القرآن الکریم، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة».
۲۲. _____، (۲۰۰۰)، تکوین العقل العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة».
۲۳. رفیع فلاح، علی و مجید منہاجی (۱۳۹۷)، «اسلام شناسی کاربردی ارکون»، فصلنامه رهیافت تاریخی، پاییز، شماره ۲۴۵، صص ۵۱-۷۰».
۲۴. زرنوشه فراهانی، حسن، حسن صفره (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد مبانی نصر حامد ابوزید در اثبات تاریخ مندی قرآن»، دو فصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۳، شماره اول (پیاپی ۲۵)، پاییز و زمستان، صص ۱-۲۲».
۲۵. زرنوشه فراهانی، حسن، حمید ایماندار و علیرضا زرنوشه فراهانی (۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل الگوهای اثر گذار بر اندیشه حامد ابوزید»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، پاییز، شماره ۶۰، صص ۱۳۱-۱۵۶».
۲۶. زاوی بغوره (۱۳۹۸)، «اسلام و سکولاریسم در اندیشه محمد ارکون»، ترجمه علی منہاجی، تاریخنامه خوارزمی، زمستان، شماره ۲۸، صص ۱۵-۲۵».
۲۷. طاهری کل کشوندی، مسلم و یحیی بودری نژاد (۱۳۹۵)، «بررسی رویکرد تأویلی نصر حامد ابوزید در خوانش مطالعات دینی»، دو فصلنامه تخصصی مطالعات اندیشه معاصر مسلمان، بهار و تابستان، شماره ۳، صص ۸۱-۹۲».
۲۸. مطیعی، حسنعلی، محمد محمدرضایی، علی الله بداشتی (۱۳۹۹)، «بررسی نظر حامد ابوزید در تأویل و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین، بهار، شماره ۱، صص ۱-۲۲».
۲۹. نقی زاده، حسن (۱۳۸۴)، «اندیشه های حامد ابوزید و برداشت از قرآن»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، شماره ۸۹، صص ۱۳۵-۱۶۲».